

پنجره عقبی

فیلم‌نامه، فیلم‌نامهٔ دکوپاژ شده و تحلیل متنی

جان مایکل هیز، استفان شارف

کارگردان: آلفرد هیچکاک

ترجمهٔ شاهپور عظیمی



چترنگ

سرشناسه: عظیمی، شاهپور ۱۳۴۲ - گردآورنده، مترجم

عنوان و نام پدیدآور: پنجره عقبی: فیلمنامه، فیلمنامه دکوپاژ شده و تحلیل متنی /

گردآوری و ترجمه شاهپور عظیمی.

مشخصات نشر: تهران: چترنگ، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۹۸ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۲۱-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر گردآوری و ترجمه «فیلمنامه پنجره عقبی»

نوشته جان مایکل هیز به کارگردانی آلفرد هیچکاک و کتاب

«The Art of Looking in Hitchcock's Rear window» تألیف استفان شارف است.

موضوع: هیچکاک، آلفرد جوزف، ۱۹۸۰ - ۱۸۹۹م. - پنجره عقبی - نقد و تفسیر

موضوع: سینما - ایالات متحده - نقد و تفسیر

موضوع: فیلمنامه های آمریکایی

شناسه افزوده: هیز، مایکل، ۱۹۵۲م.

شناسه افزوده: Hays, J. Michael

شناسه افزوده: شارف، استفان

شناسه افزوده: Sharff, Stefan

شناسه افزوده: هیچکاک، آلفرد جوزف، ۱۹۸۰ - ۱۸۹۹م. - پنجره عقبی

رده بندی کتبی: ۷۱۳۹۴/۱۷ش/۵۹/۳/۱۹۹۸ PN

رده بندی دیسی: ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲

شماره کتاب شناس ملی: ۴۰۱۱۴۵۰



چترنگ

پنجره عقبی • فیلمنامه، فیلمنامه دکوپاژ شده و تحلیل متنی • جان مایکل هیز، استفان شارف • کارگردان: آلفرد هیچکاک • ترجمه شاهپور عظیمی • ویراستار: سعید شریفی • نمونه خوانی: گروه ویرایش نشر چترنگ • مدیر هنری: یوریک کریم مسیحی • نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵ • ۱۰۰۰ نسخه • لیتوگرافی و چاپ: تهران بدر • کلیه حقوق برای نشر چترنگ محفوظ است. • نشر چترنگ: تهران، خیابان نصرت غربی، پلاک ۵۸، طبقه دوم، واحد چهار، کدپستی: ۱۴۱۸۸۴۳۳۵۵ • تلفن: ۶۶۱۲۶۸۰۵ • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۲۱-۷

www.chatrangpub.com •

فهرست

۹	 مقدمه مترجم
۱۳	 پنجره عقبی (جان مایکل هیر)
۱۵۵	 فیلم نامه دکوپاژ شده (استفان شارف)
۲۴۷	 هنر نگریستن در پنجره عقبی: اجرها و اجرا (استفان شارف)
۲۹۱	 تصاویر

جهان سینما

یادداشت دبیر مجموعه

مجموعه «جهان سینما»ی سرپرست، با هدف چاپ آثاری باکیفیت در تمام شاخه‌های سینما اعم از فیلم‌نامه، مباحث نظری، مباحث آموزشی، مصاحبه با کارگردانان، شناخت سینماگران و غیره سرگرفته است.

جهان سینما سعی می‌کند سینما را به وسعت جهان ببیند و هرآنچه پیوندی محکم و استوار با سینما دارد در خود جای دهد. امید که نقد و استقبال شما راه‌توشه ما در این مسیر سخت و جذاب باشد.

غلامرضا صراف

مقدمه مترجم

فیلمی که کهنه نمی‌شود

برخی در تحلیل پنجره عقبی به سرانمایی کارگردان در ارائه روایتی سینمایی اشاره می‌کنند. حتی خود هیچکاک آن را «سینمایی‌ترین اثرم» نامیده است. این همه در حالی است که جان مایکل هیز، در مافیلنامه، نویسی که فیلم‌نامه چهار اثر هیچکاک را نوشته است، فیلم‌نامه‌ای به‌شدت میسازنی نوشته و در گفت‌وگو پیرامون نحوه نوشتن فیلم‌نامه پنجره عقبی، گفته است که هیچکاک او را به حال خودش گذاشت تا به تنهایی فیلم‌نامه را بنویسد. نکته‌ای که اهمیت خواندن تحلیل فیلم‌نامه‌های آثار هیچکاک را دوچندان می‌کند به گفته‌ای از او برمی‌گردد که معتقد است وقتی فیلم‌نامه فیلمش آماده می‌شود، از نظر او فیلم به پایان رسیده و فداکاری آن برایش کسل‌کننده‌ترین کار دنیاست. از نظر هیچکاک فیلم‌نامه هم چنین است و فیلم‌نامه جان مایکل هیز که مطمئناً هیچ‌گاه بدون مشورت هیچکاک نیافریده است را «تمام‌شده» دانست، اثری یکه است. شاید بارزترین وجه ممیزه آن را باید در مقوله «تأخیر در روایت» دانست. داستان فیلم‌نامه (شک جفریز به همسایه روبه‌روی‌اش لارس توروالد با بازی «ریموند بر») در ظاهر خیلی بعدتر از شروع فیلم آغاز می‌شود. ظاهر داستان این است که عکاسی با پایی در گج برای رفع بی‌حوصلگی‌اش، کاری ندارد جز فضولی در کار همسایه‌ها. از نظر جفریز نامزدش لیزا فریمونت (با بازی «گریس کلی») در شأن او نیست و دلش را به کارهای بی‌سرانجامی مثل مد لباس

خوش کرده است. درواقع از همان ابتدا خیال می‌کنیم که با داستان عاشقانه آبکی روبه‌رویم که قرار است حوصله ما را سر ببرد. اما همیشه چیزی در زیر پنهان است. فیلم‌نامه به‌تدریج و با تأنی سراغ همسایه‌ها می‌رود: زوج پیری که دل‌خوشی‌شان داشتن سگی است که یکی او را می‌کشد؛ همسایه دیگر، زن جوانی است که از هر سو مورد توجه است؛ تازه‌عروس و دامادی که حتی فرصت هواخوری ندارند؛ سیاقی‌دانی که مشغول ساختن آهنگی است و خانمی ازدواج‌نکرده که از وقت ازدواجش گذشته و تنهایی، تنها همدم اوست. دیگران در تحلیل این موقعیت حنان فراوانی گفته‌اند. برخی تک‌تک همسایه‌ها را نماد و نشانه‌ای از زندگی جفریز می‌دانند. برخی منظره خانه‌های همسایه‌ها را به پرده نمایش مانند کرده‌اند که بفرماندهاگر آن است و خود او و زندگی‌اش روی پرده‌ای افتاده که ما تماشاگرش هستیم. تمام این تماشای خود هیچکاک به این دلیل که فیلم به‌لحاظ تدوینی در شمار تحلیلی همچون پودوفکین و ایزنشتین قرار می‌گیرد و ساختارش بر اساس نما، نمای متقابل است یا به عبارتی نمای ابژکتیو/سوبژکتیو، آن را به‌شدت سینمایی می‌داند. در واقع جیمز استوارت هرگز چیزی را که نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد، نمی‌بیند. واکنش زمانی دیگر فیلم‌برداری شده‌اند و آنچه می‌بیند، زمانی دیگر ضبط شده است. این ترتیب، پنجره عقبی محصول آشکار تدوین در سینماست. استفان شارف (به سال ۱۳۶۸ به کشور ما نیز آمده بود) به‌عنوان کسی که شاگرد مستقیم ایزنشتین بود، تحلیل جامعی درباره این فیلم دارد که دو بخش آن در کتاب حاضر آمده است. درواقع این نخستین تجربه انتشار یک فیلم‌نامه در بازار کتاب‌های سینمایی ماست که فیلم‌نامه دکه‌اژ شده یک فیلم علاوه بر فیلم‌نامه ادبی‌اش یکجا منتشر می‌شود. استفان شارف نما به نما فیلم‌نامه فیلم هیچکاک را با ذکر شماره و دیالوگ‌ها آورده است. این بخش هم برای فیلم‌نامه‌نویسان مفید است و هم برای کسانی که کارگردانی می‌کنند. بسیاری از ما که دوستدار سینما هستیم و از دور دستی بر آتش آن داریم یا به‌طور مستقیم با فیلم‌سازی درگیریم، هرگز از آموزش بی‌نیاز نیستیم، به‌خصوص به کتاب‌هایی مانند کتاب حاضر نیاز داریم که علاوه بر فیلم‌نامه ادبی و فیلم‌نامه مخصوص فیلم‌برداری،

تحلیل نسبتاً مفصل شارف با عنوان «هنر نگریستن در پنجره عقبی: آجرها و ملاط» نیز نما به نما این فیلم را تحلیل می‌کند. این کاری است که شارف پیش از این هم انجام داده است (نک به: عناصر ساختاری سینمای هیچکاک، استفان شارف، ترجمه شاهپور عظیمی، انتشارات فارابی، ۱۳۷۸). امید است چنین کتابی با این وجه مشخصه مورد توجه مخاطبان سینما، فیلم‌نامه‌نویسان و تحلیلگران سینمایی قرار بگیرد: چون این هر سه گروه مخاطبان کتاب هستند و می‌توانند از آن بهره‌های تکنیک و تالیفی ببرند. در اینجا لازم می‌دانم از حسن‌ظن آقای شهرام جهانگیری، مدیر نشر چترنگ، تشکر کنم که ضرورت نشر چنین آثاری را می‌دانند و نسبت به انتشار چنین کتابی هم دارند.

شاهپور عظیمی

پاییز ۱۳۹۴